

This is a Persian translation of
by Milan Kundera
HarperCollins Publishers, New York, 2010
Translated by Farough Fardipour
ISBN 978-0-06-191111-1

میلان کوندرا

مواجهه

ترجمه‌ی

فروغ پوری‌اوری



فهرست

۱. رمان‌ها، ژرف‌یابی‌های وجودی ۹
- غیاب خنده‌دار امر خنده‌دار (داستایوسکی: ابله) ۱۱
- مرگ و های و هو (لویی-فردینان سلین: قصر به قصر) ۱۵
- عشق در تاریخ شتابنده (فیلیپ راث: استاد تمنا) ۱۹
- رمز و راز سنین عمر (گودبرگر برگسون: قو) ۲۳
- دوران صفا، دختر و وحشت (مارک بینچیک: تورکی) ۲۹
- فروپاشی خاطرات (خوان گوتیسولو: پرده فرو می‌افتد) ۳۳
- رمان و زادوولد (گابریل گارسیا مارکز: صد سال تنهایی) ۳۷
۲. لیست‌های سیاه، یا تنوع ادای احترام به آناتول فرانس ۴۱
۳. رؤیای میراث کامل ۶۳
- گفت و گو درباره‌ی رابله و بیزاری از الاهگان هنر ۶۵
- رؤیای میراث کامل در بتهوون ۷۳
- رمان بی‌زمان، نامه‌ی سرگشاده به مناسبت تولد کارلوس فونتنس ۷۷
- عدم پذیرش کامل میراث، یا یانیس زناکیس ۸۱
۴. زیبا چون مواجهه‌ای چندگانه ۸۹
- ملاقاتی افسانه‌ای ۹۱
- زیبا چون مواجهه‌ای چندگانه ۹۳
- هم‌کناری چتری همیشه باز با چرخ خیاطی دوخت اونیفورم ۹۵
- دنیای شب ۹۷
- بی‌رحمی و زیبایی ۹۸
- وطن و دنیا ۱۰۰
- زبان ۱۰۲

- ۱۰۳ دیدار از این سو به آن سوی قرن
 ۱۰۶ امر نامحتمل در آثار رابله، کافکا، شاموازو
 ۱۰۹ تنها مثل ماه

۵. جای دیگر

- ۱۱۱
 ۱۱۳ تبعید به مثابه آزادی به گفته‌ی وارالینهارتووا
 ۱۱۷ تنهایی تحمل‌ناپذیر آدمِ خارجی (اسکار میلوش)
 ۱۲۰ دشمنی و دوستی
 ۱۲۷ وفادار به رابله و سوررنالیست‌ها که رؤیایها را کند و کاو کردند
 ۱۲۹ درباره‌ی دو بهار بزرگ و اشکفورتسکی
 ۱۳۵ آن پایین بوی گل سرخ به مشامت می‌رسد
 ۱۳۵ آخرین دیدار با ارنست برلور

۶. اولین عشق من

- ۱۳۹
 ۱۴۱ مسابقه‌ی طولانی دونده‌ی یک پا
 ۱۴۹ خاطره‌برانگیزترین اپرا

۷. از یاد بردن شوئنبرگ

- ۱۶۳ جشنی در کار نیست
 ۱۶۷ برتولت، از تو چه باقی خواهد ماند؟
 ۱۷۱ فراموش کردن شوئنبرگ

۸. پوست: رمان بی‌زمانِ ملاپارته

- ۱۷۵
 ۱۷۷ ۱. در جست و جوی فرم
 ۱۷۸ ۲. «طلایه‌دار» نویسنده‌ی متعهد
 ۱۸۰ ۳. پیدا کردن فرم
 ۱۸۳ ۴. نویسنده‌ی غیرمتعهد
 ۱۸۵ ۵. نوشتن پوست
 ۱۸۸ ۶. پوست و نوگرایی در این رمان
 ۱۹۱ ۷. عقب‌نشینی روان‌شناسی
 ۱۹۳ ۸. زیبایی محض
 ۱۹۶ ۹. یک اروپای جدید در وضعیت نوزایی
 ۱۹۸ ۱۰. خاطره‌ی بدل شده به میدان جنگ
 ۲۰۰ ۱۱. به عنوان پس‌زمینه، ابدیت، حیوانات، زمان، مردگان

۹. حرکت وحشیانه‌ی نقاش: درباره‌ی فرانسیس بیکن

۲۰۳

غیابِ خنده‌دارِ امر خنده‌دار
(داستایوفسکی: ابله)

فرهنگ واژگان، خنده را واکنش «برانگیخته شده به واسطه‌ی یک امر خنده‌دار یا مضحک» تعریف می‌کند. اما آیا چنین است؟ می‌توانیم از ابله داستایوفسکی یک گلچین کامل از انواع مختلف خنده را استخراج کنیم. یک مطلب عجیب: شخصیت‌هایی که در این کتاب از همه بیشتر می‌خندند، شوخ‌طبع‌ترین‌شان نیستند؛ به عکس، کسانی‌اند که اساساً فاقد شوخ‌طبعی‌اند. چند تا جوان خانه‌ی بیلاقی را ترک می‌کنند تا در پارک گردش کنند؛ میان‌شان سه تا دختر هم هستند که «به شوخی‌های اوگنی پاولوویچ^۱ مدام چنان مهربانانه می‌خندند که او شک برش می‌دارد که دخترها احتمالاً دیگر حتی به حرف‌هایش گوش هم نمی‌دهند». این شک «او را به خنده‌ای ناگهانی انداخت». یک اظهارنظر ظریف: اول خنده‌ی دسته‌جمعی دخترها که در همان حال که می‌خندند رابطه‌ی خود را با علت خنده از دست

1. Evgeny Pavlovitch